

خبر

رئیس‌جمهور؛

ارتقای کیفیت آموزش ارتباطی با تحریم ندارد

دکتر مسعود پزشکیان روز گذشته در آیین بهره‌برداری همزمان از طرح‌های «نهضت عدالت در فضای آموزشی با مشارکت مردم» با قدردانی از تلاش خبرین، مسئولان و مدیران محلی، بر ضرورت بازنگری در رویکردهای آموزشی کشور و ارتقای کیفیت یاددهی و یادگیری تأکید کرد. رئیس‌جمهور با تأکید بر این‌که شکستن قالب‌های ذهنی و باور به امکان تغییر را شرط اصلی هر تحول است، تصریح کرد: نقطه آغاز هر تحول، تغییر در ذهنیت مدیران، معلمان و کارشناسان است. زمانی می‌توان به کیفیت بالای آموزش دست یافت که این باور شکل بگیرد که هیچ دانش‌آموزی نباید بدون یادگیری عمیق و کسب مهارت کافی از کلاس خارج شود.

رئیس‌جمهور با تأکید بر این‌که در صورت شکل‌گیری این باور در ذهن معلم، مدیر، استاندانر، وزیر و رئیس‌جمهور، مسیر تغییر آشکار خواهد شد و امکان ایجاد تحول اساسی در نظام آموزشی فراهم می‌شود، خاطرنشان کرد: ارتقای کیفیت آموزش ارتباطی با تحریم و محدودیت‌های خارجی ندارد، موضوع کیفیت آموزشی مستقیما به رفتار، علم، انگیزه و باور معلمان و مدیران وابسته است. در این مراسم با دستور رئیس‌جمهور، به شکل همزمان و به صورت ویدئو کنفرانس ۲۴۰۶ پروژه آموزش و پرورش و ۲۸۶۳ پروژه «میدان همدلی» و ۱۳ هزار و ۵۷۶ مدرسه طرح «شهید عجمیان» افتتاح شد.

یادداشت

نوذرشغیعی آگاهشناس مسائل شبه‌قاره

نگاهی به تصاعد تنش میان پاکستان و طالبان

در بررسی تنش‌های اخیر میان پاکستان و افغانستان، باید ابتدا به ریشه‌های اصلی این تنش اشاره کرد. درواقع یکی از مهم‌ترین دلایل تنش، حضور و فعالیت تحریک‌اکمیز طالبان پاکستان در خاک افغانستان است. این گروه، با داشتن پایگاه‌هایی در افغانستان اقدام به عملیات‌هایی علیه تمامیت ارضی و ثبات داخلی پاکستان می‌کند؛ موضوعی که پاکستان آن را تهدیدی جدی علیه امنیت ملی خود تلقی می‌کند. در همین راستا، طی روزه‌های اخیر پاکستان دست به یک واکنش نظامی مستقیم زد که به حمله هوایی به کابل و طبق برخی گزارش‌ها به کشته شدن رهبر تحریک طالبان منجر شد. این اقدام از چند جهت برای پاکستان اهمیت‌داشت:

- رفع تهدیدب مستقیم تحریک طالبان علیه ثبات و امنیت داخلی پاکستان
- بازنمایی و اصلاح تصویر ضعف و ناتوانی پیشین دولت پاکستان در مقابله بااین گروه
- تأکید بر ارتقای جایگاه ارتش پاکستان به‌عنوان نیروی مقتدر و ثبات‌بخش در داخل و منطقه به‌خصوص بعد از جنگ‌اخیربا هند
- همزمان با تشدید این تنش‌ها، وزیر خارجه افغانستان سفری به هند داشت و در پایان این سفر، بیانیه‌ای مشترک باهمتای هندی خودصادر کرد که جهت‌گیری‌ضدپاکستانی آن کاملا مشهود بود. پاکستان این اقدام را به‌عنوان یک «پیوند استراتژیک» میان کابل و ده‌لی نو- یعنی متحد پیشین بادشمن سنتی- تلقی کرد.
- در کنار این، مساله مرزی نیز همچنان در محور اختلافات باقی مانده‌است. افغانستان هیچ‌گاه خط دیورندر را به رسمیت نشناخته و این موضوع، ریشه‌ای تاریخی برای چالش‌های ژئوپلیتیکی میان دوکشور فراهم کرده‌است.
- مجموع این عوامل- چه به‌عنوان دلایل اصلی و چه به‌عنوان زمینه‌ساز- باعث شدت گرفتن درگیری‌ها و افزایش بی‌ثباتی در منطقه شده است. پیامدهای این وضعیت‌رامی‌توان در دو سطح بررسی کرد:

نخست تأثیر منطقه‌ای آن است. این تنش‌ها عملا یک مؤلفه بی‌ثبات‌کننده دیگر را به مجموعه تحولات جنوب آسیا، آسیای مرکزی و تا حدی خاورمیانه اضافه کرده‌اند. صدور بیانیه مشترک میان افغانستان و هند نیز گویای تغییر معادلات امنیتی در منطقه است. دوم این تنش‌ها موجب سرریز شدن بحران به محیط پیرامونی و منطقه‌ای می‌شوند؛ بدین معنا که فراتر از روابط دوجانبه کابل و اسلام‌آباد، کل منطقه تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به‌طور خاص برای ایران نیز این وضعیت، پیامدهای مستقیم و غیرمستقیمی از جمله امکان افزایش ورود مهاجرین غیرقانونی به ایران در صورت تداوم ناامنی را در پی دارد. درواقع تداوم احتمالی تنش باعث تبدیل معادلات امنیتی خطی به معادلاتی پیچیده شده شده و نوعی «وضعیت غبارآلود امنیتی» در مرزهای شرقی ایران رایجاد خواهدکرد.

در شرایطی که زیاده‌خواهی‌های غرب علیه ایران تمامی ندارد، اظهارات سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان، در گفت‌وگوی ویژه خبری نمایی از استراتژی مقاوم تهران در برابر فشارهای آمریکا را ترسیم می‌کند. این مصاحبه که در پی تحولات اخیر خاورمیانه ایراد شد، بر تعهد ایران به مذاکره عادلانه تأکید دارد. در حالی که رفتار آمریکا را به‌عنوان ابزاری برای تحمیل خواسته‌های یکجانبه محکوم می‌کند، رویکرد عراقچی ریشه در تجربیات تاریخی دارد و نشان دهنده بی‌اعتمادی عمیق به واشنگتن است. جایی که دیپلماسی اغلب پوششی برای زورگویی واشنگتن بوده، با بررسی دقیق این اظهارات، می‌توان دید که ایران نه تنها در دفاع از حقوق هسته‌ای خود ایستاده، بلکه با افشای نیت واقعی آمریکا در مذاکرات، به جهان نشان می‌دهد چگونه قدرت‌های غربی از ابزار گفت‌وگو برای سلطه‌جویی استفاده می‌کنند.

تحمیل به جای مذاکره؛ رویکرد همیشگی آمریکا

عراقچی در تشریح مذاکرات حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک، اشاره کرد که آمریکایی‌ها درخواست دیدار مستقیم داشتند اما شرط‌هایی برای این موضوع مطرح کرده‌اند که ایران آن‌را تحمل نکرده است. شواهد نشان می‌دهد احتمالا این شرایط تخلیه ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی در ازای تعلیق شش ماهه اسنپ‌بک بوده است. وی تأکید کرد: طرف آمریکا نباید بر قبول شروط خود قبل از شروع مذاکرات داشت که طرف ایرانی آن را غیرممکن و غیرمعمول می‌دانست در مقابل شروط ایران برای مذاکره حضور وزرای خارجی تروئیکا اروپایی و رافائل گروسی بود که طرف آمریکای از پذیرش این شروط سرباززد.

«ما برای جلوگیری از اجرای اسنپ‌بک همه تلاش خود را انجام دادیم... بی‌شهاد ما کاملا معقول و منصفانه بود اما آنها نپذیرفتند». این موضع‌گیری عراقچی، نه تنها دفاع از منافع ملی است، بلکه انتقادی تند از استراتژی آمریکا در مذاکرات هسته‌ای به شمار می‌رود. واشنگتن، در دوره ترامپ، با خروج یکجانبه از برجام در ۲۰۱۸، نشان داد که دیپلماسی را به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار حد‌اکثری می‌بیند، نه حل واقعی مسائل. این رویکرد، که با تحمیل تحریم‌های فلج‌کننده همراه بوده، ریسک جنگ را افزایش داده و فرصت‌های دیپلماتیک را نابود کرده است. تحلیلگران بر این باورند که آمریکا با طرح خواسته‌های غیرواقعی مانند محدودیت‌های موشکی، عمدا مسیر مذاکره را مسدود می‌کند تا ایران را به تسلیم وادار سازد. نه این‌که به توافق متوازن برسد. این الگو، حتی در روابط با متحدان اروپایی تکرار شده است و ریشه در هژمونی‌طلبی آمریکا دارد و مذاکرات را به بن‌بستی تبدیل کرده که تنها با زور پیش می‌رود.

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بارها این رویکرد را پیش‌بینی و محکوم کرده‌اند. ایشان در سال‌های قبل فرمودند: «دلیل این‌که من سال‌هاست تکرار می‌کنم که ما با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم، همین است. این مذاکرات نمی‌دهد که مشکلات ما با آمریکا با مذاکره حل نمی‌شود.» این نقل قول، که ریشه در تجربیات تلخ ایران از مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم با طرف آمریکایی دارد، تأکید می‌کند که مذاکره با آمریکا نه تنها بی‌فایده، بلکه خطرناک است زیرا به جای حل مسائل، به تحمیل خواسته‌های واشنگتن منجر می‌شود.

آمریکا همچنان در تلاش است زیاده‌خواهی‌های خود را به ایران تحمیل کند

روای دیگته‌نویسی



همچنین، ایشان تأکید کردند: «آمریکا به دنبال مذاکره نیست؛ هدفش تحمیل است.» این هشدارها، که در طول سال‌ها تکرار شده، نشان‌دهنده عمق بی‌اعتمادی است که از خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های جدید ناشی می‌شود. در واقع، آمریکا با این رفتارها، نه تنها اعتماد جامعه ایرانی را از دست داده، بلکه کل سیستم دیپلماسی بین‌المللی را تضعیف کرده است. این زیاده‌خواهی‌ها، مانع نتایج منصفانه شده و ایران را وادار به ایستادگی کرده است. عراقچی با اشاره به دلایل بی‌پایه طرف غربی مانند شک در همخوانی نظر وزیر با حاکمیت، آن را غیرمنطقی خواند. این تحلیل نشان می‌دهد که طرف غربی، با بهانه‌جویی، سعی در حفظ فشار با هدف تضعیف کشور را دارد. رویکردی که در تاریخ دیپلماسی اش با دشمنان و دوستان تکرار شده و اعتماد را نابود کرده است.

زیاده‌خواهی در بن بست

عراقچی با تأکید بر این‌که «برچم مذاکره همواره در دست ما بوده است»، گفت اگر پیشنهادی متوازن و بر پایه احترام متقابل ارائه شود، ایران آماده بررسی است. وی با اشاره به تجربیات تلخ مانند خروج از برجام و انجام حمله به کشور در میانه مذاکرات افزود: «مذاکره با آمریکا... بن بست محض است.»

از سوی دیگر اروپا نیز، با ناتوانی در عمل مستقل و ترغیب ایران به مذاکره مستقیم با آمریکا، علاوه‌ا ابزاری برای تحمیل خواسته‌های واشنگتن تبدیل شده، که این وابستگی، دیپلماسی چندجانبه را تضعیف کرده است.

رهبر معظم انقلاب در طی ماه‌های گذشته فرمودند: «مذاکره

با آمریکا نه هوشمندانه، نه عاقلانه و نه شرافتمدانه است. مشکلات ما را حل نمی‌کند. دلیل؟ تجربه.» این سخنان، که بر پایه تجربیات تاریخی مانند نقض برجام استوار است، نشان می‌دهد که آمریکا همیشه از مذاکره برای کسب امتیازات یکجانبه استفاده کرده. ایشان همچنین بارها تأکید کردند: «آمریکا دشمن شماره یک ملت ماست.» این دیدگاه، که در طول دهه‌ها تکرار شده، ریشه در اقدامات آمریکا مانند حمایت از رژیم صهیونیستی و انجام تحریم‌های اقتصادی دارد، که نه تنها ایران، بلکه کل منطقه را تحت تأثیر قرار داده است. در نتیجه، موضع ایران در مذاکرات، نه انعطاف‌ناپذیری، بلکه پاسخی منطقی به سابقه خیانت‌آمیز آمریکاست.

درباره حقوق هسته‌ای، عراقچی بر خط قرمز غنی‌سازی تأکید داشت و آمادگی ایران برای اعتمادسازی را به شرط رفع تحریم‌ها اعلام کرد. این موضع، واکنشی انتقادی به خواسته‌های نامشروع آمریکا مبنی بر غنی‌سازی صفر در ایران و تداوم تحریم‌های ظالمانه دارد که هرگونه پیشرفت در مذاکرات را متوقف ساخته و گفت‌وگو را به ابزاری برای سلطه بدل کرده است.

آمریکا، با تکرار الگوی خروج از توافقات، اعتماد را از بین برده و ایران را مجبور به دفاع از حقوقش کرده، رویکردی که نه صلح‌آمیز، بلکه هژمونیک است. رهبر انقلاب در این زمینه فرمودند: «مذاکره با آمریکا به معنای تجارت است. شما چیزی می‌دهید و چیزی می‌گیرید. چه می‌دهید؟ نقاط قوت خود را. چه می‌گیرید؟ اجازه انجام آنچه حق شمامست.» این سخنان رهبری نشان‌دهنده نابرابری ذاتی در مذاکرات با آمریکاست، جایی که واشنگتن همیشه به دنبال تضعیف طرف مقابل است.

یادداشت

دکتر حسن مرادی استاد حقوق بین الملل دانشگاه تهران

یادداشت

علاءالدین پروچدی عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی

توان موشکی قابل مذاکره نیست

اروپایی‌ها با فعال‌کردن اسنپ‌بک و بازگشت تحریم‌ها خودشان را تحریم کرده‌اند؛ چرا که مجموعه همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران با شرکت‌های اروپایی به سرعت به شرکت‌های چینی و غیراروپایی منتقل می‌شود. به این ترتیب، متضرر و تحریم شده واقعی، شرکت‌های اروپایی‌ونه جمهوری اسلامی ایران هستند. طی روزه‌های اخیر نیز شاهد بیانیه مشترک نشست وزرای خارجه شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا علیه ایران، بودیم. پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاک کشورهای حوزه خلیج فارس است و آنها روابط ویژه‌ای با غرب دارند؛ از طرف دیگر آمریکا و غرب به دنبال فشار سیاسی به ایران بوده و برای رسیدن به این هدف از همه ظرفیت‌ها استفاده می‌کنند که یکی از آنها ظرفیت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است که به نوعی هم‌پیمان با آمریکا بوده و روابط ویژه‌ای با کشورهای اروپایی دارند. البته این اقدامات نتیجه‌ای نخواهد داشت و قطعاً جمهوری اسلامی ایران همچنان سیاست‌های منطقی، اصولی و قانونی خود را در همه عرصه‌ها ازجمله هسته‌ای، ادامه خواهد داد. درباره برخی ادعاها در مورد صنعت موشکی کشورمان باید تأکید کنم که توانمندی موشکی ما پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه ارتقا یافته و همچنان در حال پیشرفت است. ما برای دفاع از خود در برابر تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به این توان نیاز داریم و بر سر صنعت موشکی با هیچ‌کس مذاکره نخواهیم کرد.

پیام نتانیاهو به پوتین: تله یا ضعف؟

در قسمتی دیگر از این گفت‌وگو عراقچی درباره تماس نتانیاهو با پوتین گفت: «نتانیاهو تأکید کرده قصد جنگ یا درگیری مجدد با ایران را ندارد.» اما افزود که این خبر تغییری در آماده‌باش ایران ایجاد نکرده و احتمال فریبکاری از سوی رژیم بالاست. این موضع‌گیری از سوی وزیر امور خارجه کشورمان، تحلیلی هوشمندانه از بازی‌های منطقه‌ای است، جایی که پیام نتانیاهو احتمال دارد تله‌ای جدید برای غافلگیری ایران باشد. با هدف جلوگیری از حمایت روسیه و ترمیم خسارات و صدمات ناشی از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه. از سوی دیگر منتقدان این پیام را نتیجه ضعف اسرائیل و عدم بازبایی نظامی و اجتماعی پس از ضربات سنگین در جنگ اخیر می‌دانند اما رژیم در هماهنگی کامل با آمریکا برای فشار بر ایران اقدامات ایضایی و رسانه‌ای گسترده‌ای انجام داده است، رویکردی که دیپلماسی را با تهدید نظامی آمیخته و صلح را تهدید می‌کند. آمریکا، با حمایت از حملات اسرائیل در میانه مذاکرات، نشان داده که مذاکره را پوششی برای اقدامات تهاجمی می‌بیند، که این دگوانگی در رفتار، ایجاد هرگونه اعتماد را به طور کل نابود کرده و ایران را به هوشیاری وادار می‌سازد. جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، که با واکنش قاطع ایران همراه بود، ضربه‌ای سخت به استراتژی غافلگیری غرب زد و فضاسازی‌های فعلی را به جنگ روانی تقلیل داد اما هوشیاری ایران در برابر این تله‌ها، ضرورتی برای حفظ امنیت ملی کشور است.

رهبر معظم انقلاب در ماه‌های پیش از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه فرمودند: «هیچ ملت شرافتمندی مذاکره زیر تهدید را نمی‌پذیرد و هیچ سیاستمدار عاقلی آن را تأیید نمی‌کند.»

مقوله «اسنپ‌بک» از نظر حقوق بین‌الملل و از نظر چارچوب‌های شناخته‌شده، اصولاً یک امر و یک حرکت غیرقانونی است. یعنی زمان

اجرای اسنپ‌بک سرآمده و اصولاً نمی‌توانند سه کشور، از چند کشور، بیایند و خواهان اجرای یک مصوبه شورای امنیت شوند که در اصطلاح زمان آن گذشته است. آمریکا با خروج از برجام، تداوم حرکت آن را زیر سؤال برد و باعث شد برجام عملاً بربماند. قرار نبود با خروج آمریکا شرکای آن بخوانند حرکتی انجام دهند. از آنجایی که اروپا و سردمداران آن، تحت تأثیر لابی صهیونیست هستند، علی‌رغم خواست و نظر قاطبه شهروندان آن کشورها، آمدند و فشاری را که روی‌شان بود، سر محور مقاومت و جمهوری اسلامی به‌عنوان کشور شاخص محور مقاومت پیاده کردند. حتی گوتشر و مقامات رسمی سازمان ملل اعلام کردند که اسنپ‌بک نمی‌تواند اجرا شود؛ چون شرایطی که برای اجرای آن هست، دیگر فراهم نیست. قطعنامه‌هایی که به آن استناد می‌شود، دوره‌شان تمام شده و نمی‌تواند ادامه یابد. در کل منطق حقوقی در جهان اجرا نمی‌شود و علی‌رغم این پوشش ظاهری ظلم همچنان برپا است. در این شرایط آمدند و اجرا شدن اسنپ‌بک را اعلام کردند. آمریکا هم لابی عظیم صهیونیست دارد و هم عواملی که از این فرصت اسنپ‌بک استفاده کردند. آمریکا با بیرون رفتن از برجام، دیگر طرف معامله نیست. به‌رغم انفعال بعضی از اعضای این سه کشور یا تروئیکا اروپایی، آنها شروع کردند به دیکته کردن مسائل و ایجاد خط‌مشی‌های تحریمی برای جمهوری اسلامی. ایجاد صدها خیرگزار، ایجاد تعداد زیادی رسانه و وجود افراد ضعیف‌التصمیم، ضعیف‌الایمان و غیرمصمم در داخل کشور به این مقوله دامن زد و باعث شد موجی از کاهش ارزش پول ملی را تجربه کنیم. ما نمی‌گوییم که تحریم کشتی‌ها یا اشخاص روی اقتصاد ما اثر نمی‌گذارد؛ طبیعی است که می‌گذارد اما آیا این اثر باعث کاهش قیمت یک چهارم پول ملی می‌شود؟ اصلاً این‌طور نیست. کسانی که دنبال جار و جنجال هستند، متأسفانه می‌خواهند پول ملی ما نزول کند. یک‌سری افراد که از قدرت و صلابت جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۱۲ روزه انکشت حیرت به دندان گرفتند،

اینها اکنون در رسانه‌های صداقت‌الاب شروع کرده‌اند به قلم‌فرسایی درباره اقتصاد ایران و به دنبال آتو هستند. ما به دولت‌مردان می‌گوییم همان‌طور که در مقابل تحریم‌های جنگ اول یا جنگ هشت‌ساله با عراق و تحریم‌های بعد از جنگ ایستادید، در این مقوله هم محکم بایستید و مطمئن باشید با عزم و اراده دولت‌مردان، دشمنان و مخالفان نظام ما نمی‌توانند کاری کنند. ما معتقدیم که علی‌رغم وجود پارامترهای علمی و حقوق بین‌الملل برای اثبات این‌که می‌تواند اسنپ‌بک فعال شود، این

^[1] در حالی که رفتار آمریکا را به‌عنوان ابزاری برای تحمیل خواسته‌های یکجانبه محکوم می‌کند، رویکرد عراقچی ریشه در تجربیات تاریخی دارد و نشان دهنده بی‌اعتمادی عمیق به واشنگتن است

^[2] این تحلیل نشان می‌دهد که طرف غربی، با بهانه‌جویی، سعی در حفظ فشار با هدف تضعیف کشور را دارد

^[3] این دیدگاه، که در طول دهه‌ها تکرار شده، ریشه در اقدامات آمریکا مانند حمایت از رژیم صهیونیستی و انجام تحریم‌های اقتصادی دارد، که نه تنها ایران، بلکه کل منطقه را تحت تأثیر قرار داده است